

پرتاب

معرفی کتاب:

«پرتاب» رمان کم حجمی است که به روزمره‌های یک مهندس موشکی که در وزارت دفاع مشغول به کار شده است، می‌پردازد. لغت «روزمره‌ها» را در جای درست خود به کار برده‌ام، چراکه هم لحن و زبان شخصیت اصلی که نیما، همان مهندس مذکور باشد، هم نحوه پیشبرد داستان و هم زاویه دید اثر، همه شباهت بسیاری به «خاطره‌نویسی» یا «ثبت وقایع روزمره» دارند. در حقیقت اولین مواجهه ما با داستان

و شخصیت‌هایش، از لحظاتی قبل از شروع یک جلسه اداری مهم که بنا است به چند و چون ساخت یک موشک و رادار هدف‌یاب آن بپردازد، آغاز می‌شود. ما جزئیات جلسه را به تفصیل می‌خوانیم، با اصطلاحات فنی مهندسان حاضر در جلسه آشنا می‌شویم و درمی‌یابیم مسأله اصلی مهندس جوان داستان، این موشک است و پروژه سنگینش که بر دوش او و همکار و همکلاسی سابقش افتاده است. از اینجا به بعد، شاید انتظار داریم با متن پیچیده‌تری مواجه شویم. می‌گوییم «متن» و این کلمه را بر مبنای دو محور به کار می‌بریم: اول، همان لحن داستان که در آغاز به آن اشاره شد که درحقیقت، نحوه انتخاب واژگان نویسنده است و دوم، زیرساخت‌های ادبی اثر. متأسفانه می‌بینیم که در هر دوی این محورها، نویسنده از یک سطح حداقلی فراتر نرفته است.

داستان با ساده‌ترین و دم‌دست‌ترین کلمات ممکن و به ساده‌ترین شکل روایت، پیش می‌رود. ما هر روز نیما را از اداره تا خانه و از خانه تا دانشگاه دنبال می‌کنیم، در مشکلات خانوادگی او سرگ می‌کشیم و با تردیدهایش در ماندن در وزارت دفاع یا حضور در پروژه پول‌ساز و خصوصی استادش، مواجه می‌شویم. گرچه این نکته که نویسنده در تلاش بوده تصویر کامل و همه‌جانبه‌ای از مهندس موشکی خود به ما نشان بدهد، بسیار قابل توجه و یکی از نکات مثبت اثر است، اما باید اشاره کرد که می‌شد این اتفاق در متنی عمیق‌تر و زیباتر رخ دهد.

”
داستان با ساده‌ترین و دم‌دست‌ترین کلمات ممکن و به ساده‌ترین شکل روایت، پیش می‌رود. ما هر روز نیما را از اداره تا خانه و از خانه تا دانشگاه دنبال می‌کنیم، در مشکلات خانوادگی او سرگ می‌کشیم و با تردیدهایش در ماندن در وزارت دفاع یا حضور در پروژه پول‌ساز و خصوصی استادش، مواجه می‌شویم



شهرستان ادب

ناشر

مهدی صفری

نویسنده